گزارش

جهان زیر سایه جنگ

ادامه از صفحه ۸

او معتقد است تلاش‌هایی هم که در این زمینه شده، نتوانسته به شکل سیستماتیک تغییر گفتمانی جدی در فضای ضد جنگ و ایجاد صلح ایجاد کند: «مثلا در این سال‌ها شورای کتاب کودک یکی از نهادهایی بوده که به طور جدی در راستای ترویج زبان صلح کار کرده است اما از آنجایی که شکل سیستماتیکی نداشته، نتوانسته در سطح کلان جامعه اثر بگذارد. فضای کتاب‌های درسی و حتی کتاب‌هایی که با حمایت از سوی دولت روانه بازار می‌شوند، هم بیش از آنکه در راستای ترویج صلح‌طلبی فعالیت کند، متمرکز بر ادبیات مقاومت و بازتولید اشکال مقابله بوده است. در نتیجه طبیعی است که ما در جامعه کمتر زبان صلح را بشنویم».

صلح تحمیلی ناپایدار

«صالح نقره‌کار»، وکیل پایه یک دادگستری و دبیر سابق کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری، معتقد است امروزه بیش از هر زمان دیگری نیاز به صلح حس می‌شود: «در دنیای امروز، در میانه غوغای بی‌پایان جنگ‌ها، بحران‌ها و آشفتگی‌ها، نیاز به صلحی حقیقی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. صلحی که نه‌تنها غیاب سلاح و خشونت باشد، بلکه حضوری پرمحتوا از احترام، همدلی و کرامت انسانی باشد. صلحی که در آن گفت‌وگو، هم‌زیستی و عدالت بر ارمغان‌های جنگ پیشی گرفته و رنگ‌وبویی از امید به زندگی و همگامی مشترک در آن موج بزند. این صلح، همان صلحی است که نه در اتاق‌های بسته قدرت‌های بزرگ، بلکه در دل‌های مردم و در میان نهادهای مدنی، جایی که صدای واقعی مردم به گوش می‌رسد، باید جست‌وجو کرد. در این مسیر، نهادهای مدنی به‌مثابه چراغ‌هایی هستند که در شب تاریک ناامنی و بی‌اعتمادی می‌درخشند. آنها نه‌تنها نمایندگان اراده مردم، بلکه حافظان حقیقی عدالت و صلح‌اند. در دنیایی که در آن گاهی هر کلمه‌ای از سوی قدرت‌ها برای حفظ منافع خاص، پیچیده و تغییر می‌کند، نهادهای مدنی به‌عنوان ضمیر بیدار جامعه در صلح‌سازی عمل می‌کنند. آنها با استفاده از ابزارهایی مانند گفت‌وگو، آموزش فرهنگ صلح، و تقویت اعتماد اجتماعی، به‌عنوان دژهایی در برابر ناامنی و بحران‌ها عمل می‌کنند».

او معتقد است در جوامع امروزی، این نهادها نه‌تنها منعطف و سازگار با شرایط مختلف‌اند، بلکه با همبستگی و مشارکت‌های خود به ایجاد و تحکیم حکمرانی همکارانه کمک می‌کنند: «نوعی حکمرانی که در آن هیچ‌کس به‌تنهایی تصمیم نمی‌گیرد و هیچ صدایی خاموش نمی‌ماند. این حکمرانی، برخلاف آنچه در بسیاری از نظام‌های مستبد دیده‌ایم، براساس عدالت و شراکت استوار است و نهادهای مدنی به‌عنوان شریکان اصلی این فرایند، نقشی بی‌بدیل دارند. آیین حکمرانی همکاران در آینه صلح ارزش‌محور، تصویری است که در آن انسان‌ها به جای نزاع و درگیری، در جست‌وجوی فهم و تفاهم مشترک‌اند. نوعی حکمرانی که در آن، قدرت از دستان محدود و منفرد به دستان جامعه‌ای تقسیم‌شده منتقل می‌شود و نهادهای مدنی به‌عنوان راهنمایان و مشاوران، در این فرایند مهم نقش‌آفرینی می‌کنند. نوعی حکمرانی که به جای تکیه بر فرمانروایی بر دیگران، براساس همکاری و همفکری شکل می‌گیرد و در آن، تمام ارکان جامعه به طور مساوی و با احترام به حقوق یکدیگر، در ساختن دنیایی بهتر و صلح‌آمیز سهیم می‌شوند. در این نوع حکمرانی، مشارکت نهادهای مدنی دیگر یک گزینه اختیاری نیست؛ بلکه ضرورت است. صلح بدون مشارکت واقعی مردم و نهادهای مدنی، مانند گل‌هایی است که در سرما و بدون آبیاری می‌رویند؛ زیبایی دارند اما دوام نمی‌آورند. آن صلحی که بر پایه نهادهای مدنی و همگامی مردم استوار نباشد، زودگذر است و به‌راحتی در برابر تندبادهای نابرابری و بی‌عدالتی می‌ریزد».

او با اشاره به حق بر صلح می‌گوید: «حق بر صلح، مانند درختی است که تنها در خاکی حاصلخیز و در سایه‌سار عدالت رشد می‌کند. این حق، نه‌تنها یک آرزو، بلکه یک الزام است که در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی به‌روشنی آمده است. اما این حق زمانی به طور واقعی تحقق می‌یابد که مردم، به‌ویژه از طریق نهادهای مدنی خود، در فرایندهای صلح‌سازی مشارکت کنند. بدون حضور فعال نهادهای مدنی، صلحی که از بالا به پایین تحمیل شود، هیچ‌گاه ریشه‌دار و پایدار نخواهد بود. باید یادآوری کنیم که صلح تنها در سایه احترام به کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و مشارکت نهادهای مدنی ممکن است. صلح، نه یک هدیه از سوی دولت‌ها، بلکه حقی است که باید از طرف هر فرد در جامعه مطالبه شود و در راه رسیدن به آن، نهادهای مدنی مانند نگهبانان بی‌نظیر آن عمل می‌کنند».

این وکیل دادگستری اضافه می‌کند: «صاحب‌نظران و متفکران زیادی به ما گفته‌اند که جهان به سوی یک آینده بهتر حرکت خواهد کرد، اگر انسان‌ها از درون خود به تفاهم برسند. این تفاهم تنها از راه گفت‌وگو و هم‌زیستی ممکن است. در این مسیر، نهادهای مدنی فقط نقش تسهیل‌کننده ندارند و به‌عنوان ستون‌های استوار حکمرانی همکارانه، نقشی محوری در ساختن جهانی پر از صلح ایفا می‌کنند».

مدرسه

نقش اجتماعی مدارس غیرانتفاعی

ادامه از صفحه ۸

۸. پایش و ارزیابی رشد، نه فقط نمره:

الف. طراحی کارنامه‌هایی که صرفا براساس نمره نیستند، بلکه رشد در مهارت‌های فردی و اجتماعی را هم نمایش می‌دهند.

ب.گزارش‌های پیشرفت ماهانه با نگاه تشویقی و امیدبخش.

درنهایت برای پیشرفت بهتر شرایط آموزشی، لازم است وزارت آموزش و پرورش ضوابطی برای پذیرش فراگیرتر در مدارس غیرانتفاعی تعیین کند؛ امتیاز ویژه برای مدارسی در نظر گرفته شود که دانش‌آموزان با نیازهای خاص یا معدل پایین را رشد می‌دهد؛ نظام ارزیابی عملکرد مدارس صرفا براساس رتبه و معدل نباشد، بلکه میزان پیشرفت فردی دانش‌آموزان هم سنجیده شود و آموزش معلمان در زمینه تدریس به دانش‌آموزان با تفاوت‌های یادگیری، الزامی شود.

اگر مدارس غیرانتفاعی بخواهند تنها به جذب دانش‌آموزان قوی بپردازند، نقش اجتماعی و اخلاقی خود را از دست خواهند داد. اما اگر اراده پذیرش و پرورش دانش‌آموزان ضعیف را داشته باشند، می‌توانند به معنای واقعی کلمه «آینده‌ساز» باشند، نه فقط برای دانش‌آموزان قوی، بلکه برای همه آنهایی که نیاز به دیده‌شدن و فرصت رشد دارند. مدرسه خوب آن نیست که فقط «قوی‌ها» را قوی‌تر کند، بلکه آن است که «ضعیف‌ها» را نیز رشد دهد. نمره پایین باید نقطه شروع تربیت باشد، نه پایان راه. مدارس غیرانتفاعی باید اراده و تدبیر پذیرش دانش‌آموز با معدل پایین را داشته باشند و با استفاده از روش‌های علمی، او را به یک آینده‌ساز تبدیل کنند.

بازخوانی کتاب «صلح را از کودکی باید آموخت» نوشته توران میرهادی

توران خانم و روز جهانی صلح

شرق: نویسنده کتاب «صلح را از کودکی باید آموخت» توران میرهادی، استاد ادبیات کودک و از بنیان‌گذاران شورای کتاب کودک و بنیان‌گذار فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان است و حالا به مناسبت روز جهانی صلح در بیست‌ویکم سپتامبر (۳۰ شهریور) اندیشه‌های او در این زمینه بازخوانی شده است؛ اتفاقی که در قالب نشست‌های مجازی برگزار شد و شرکت‌کنندگان که بخش زیادی از آنها معلمان هستند، می‌گویند از چند ماه پیش به پیشنهاد یک نویسنده در حوزه آموزش‌وپرورش، این نشست‌ها برای بازخوانی اندیشه‌های «توران میرهادی» آغاز شد. روند کار این بود که بخشی از کتاب توران میرهادی در هفته خوانده شود. دومین کتاب «صلح را از کودکی باید آموخت» بود. در ادامه با پیشنهادی قرار شد که به فراخور روز جهانی صلح با محوریت اندیشه‌های توران میرهادی که پرچم‌دار تئوریزه‌کردن تلاش برای یادگیری صلح در ایران و نسبت آن با آموزش است، مجموعه یادداشت‌های کوتاهی نوشته شود. چهار یادداشت پیش‌رو در همین زمینه است.

صلح از درون آغاز می‌شود

زهرا خماریان
آموزگار

ساعت ۹ شب هر دوشنبه، زمان مقدسی است؛ زمانی که ما را دور هم جمع می‌کند تا در سکوت و شنیدن، از خرد توران خانم بهره ببریم. جمعی کوچک، صمیمی و پرانرژی که کتاب نمادین او، «صلح را باید از کودکی آموخت»، چراغ راه این دیدارهای مجازی هفتگی‌مان شده است. در دل این روزهای پرآشوب و پر از اخبار ناامیدکننده از جنگ‌ها، مذاکرات بی‌ثمر و بی‌پایان و فجایع انسانی، بیش از هر زمان دیگری به این درک رسیده‌ایم که پرداختن به مفهوم صلح، نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت حیاتی برای بقای انسانیت است. توران خانم باوری ریشه‌دار به این مفهوم داشت: صلح از درون ما آغاز می‌شود؛ از کوچک‌ترین واحد جامعه، از خانواده و سپس در مدرسه و در نهایت به تمام جهان تابیده می‌شود.

در دنیای امروز که گویی آتش جنگ و کینه در گوشه‌ای از آن خاموش نمی‌شود، نیاز به بازتعریف صلحی درونی و عمیق‌تر، هر روز محسوس‌تر می‌شود. به باور میرهادی، پایه‌های این صلح در کودکی و در فضایی امن، بدون مقایسه‌های تحقیرآمیز و رقابت‌های مخرب و در عوض سرشار از همکاری و احترام متقابل ریخته می‌شود. او هشدار می‌داد که سیستم‌های مبتنی بر تشویق و تنبیه که هنوز در بسیاری از خانه‌ها و مدارس حاکم است، نه‌تنها امنیت روانی کودکان را نابود می‌کند، بلکه بذر اضطراب و رقابتی ناسالم را در نسل آینده می‌پاشد. راه چاره، به باور او، جایگزینی این سیستم با «ترغیب» برای رشد فردی و مشارکت جمعی بود. اما بحران تنها بیرونی نیست؛ جهان درونی بسیاری از انسان‌های امروز نیز عرصه نبردی خاموش است؛ نبردی با اضطراب، احساس ناامنی، ترس از شکست و انزوا. میرهادی راه نجات از این نبرد درونی را در ساده‌زیستی، مشارکت در امور خانه، پرهیز از تجملات و مهم‌تر از همه ایجاد فضایی سرشار از محبت و احترام در کوچک‌ترین حلقه‌های اجتماعی می‌دانست. صلح، همان‌طور که از عنوان کتاب برمی‌آید، یک درس است؛ درسی که باید از کودکی و در عمل آموخته شود. این آموزش نه در کتاب‌های خشک دانشگاهی بلکه در کلمات و رفتارهای روزمره والدین و معلمان نهفته است. آینده جهان به همین آموزش‌های به‌ظاهر کوچک گره خورده است. در هر جلسه از این حلقه کتاب‌خوانی، هر یک از ما پنجره‌ای تازه به روی افقی نو می‌گشاییم و خوشه‌ای از خرمن پربار اندیشه‌های توران خانم می‌چینیم. پس از پایان هر جلسه، سکوتی ژرف بر من حاکم می‌شود. در چنین سکوتی جمله عمیق او در ذهنم طنین‌انداز می‌شود: «انسان آزاد باید هر روز پاسخ‌گوی دو پرسش باشد؛ در خدمت چه هستم؟ در خدمت که هستم؟». این پرسش‌های ارزشمند را در کتابم هایلایت کرده‌ام، بر برگه‌ای نوشته‌ام و بر در یخچال خانه نصب کرده‌ام تا هر روز، پیش از هر چیز، آن را ببینم و مرور کنم. این کار کمک می‌کند تا آرامش درونم را حفظ کنم و به صلحی پایدار در وجود خود دست یابم.

صلح نه هدف سیاسی، بلکه یک نیاز انسانی است

زهرا علی‌اکبر
آموزگار

شاید کمی قبل‌تر از این روزها، رابطه آموزش و صلح، حق همیشگی و طبیعی هر کودکی به شمار می‌آمد اما جنگ و نزاع در نقاطی از جهان به‌ویژه غزه و دانش‌آموزان و مدارس و کلاس‌های تخریب‌شده‌اش یادآوری کرد که می‌توان در قرن بیست‌ویکم زندگی کرد و به دلیل نبود صلح و پایداری، از حق آموزش محروم بود. در دنیای امروز، با توجه به چالش‌های جهانی مانند جنگ‌ها، فقر و نابرابری، آموزش مفهوم صلح از سنین پایین اهمیت بیشتری پیدا کرده است و نظام‌های آموزشی در دل برنامه‌های درسی خود تلاش می‌کنند تا با ایجاد زمینه‌های مناسب، نسل‌های آینده را برای ایجاد جهانی مسالمت‌آمیزتر آماده کنند. چه‌بسا تشویق فعالیت‌های گروهی و کار تیمی در مدارس می‌تواند به کودکان کمک کند تا یاد بگیرند چگونه با دیگران همکاری کنند و اختلافات را به شیوه‌ای سازنده حل کنند. این آموزش‌ها نه‌تنها به آنها کمک می‌کند تا مهارت‌های ارتباطی و حل اختلاف را یاد بگیرند، بلکه کودکان و نوجوانان را به شهروندانی مسئول و آگاه تبدیل می‌کند که قادر به ایجاد تغییرات مثبت در جامعه خود هستند. با فراهم‌کردن محیطی امن و حمایتی برای یادگیری، می‌توان نسل‌هایی را تربیت کرد که به ارزش‌های انسانی احترام بگذارند و در برابر خشونت و ناعدالتی ایستادگی کنند. باید پذیرفت که صلح نه‌تنها یک هدف سیاسی، بلکه یک نیاز انسانی است که باید از طریق آموزش در دل کودکان نهادینه شود، بنابراین حکمرانی جامعه باید طوری باشد که در آن آموزش نه‌تنها معرفت، بلکه عشق و احترام به انسانیت را نیز به ارمغان آورد. توران میرهادی، یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های ادبیات کودک و نوجوان در ایران، همواره بر اهمیت آموزش و نقش آن در ترویج صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز تاکید کرده است. او بر این باور بود که آموزش نه‌تنها ابزار انتقال دانش است، بلکه وسیله‌ای برای شکل‌دهی به شخصیت و ارزش‌های انسانی کودکان و نوجوانان به شمار می‌آید. میرهادی معتقد بود که آموزش باید به گونه‌ای طراحی شود که به کودکان بیاموزد چگونه با تفاوت‌ها کنار بیایند و احترام به یکدیگر را درک کنند. او بر این اصل تاکید داشت که اگر کودکان از سنین پایین با مفاهیم صلح، دوستی و همدلی آشنا شوند، می‌توانند دنیای بهتری بسازند. درواقع آموزش را کلیدی برای پیشگیری از جنگ‌ها و درگیری‌ها می‌دانست. میرهادی همچنین بر اهمیت داستان‌گویی و ادبیات در آموزش تاکید داشت. به عقیده او، داستان‌ها می‌توانند به کودکان کمک کنند تا احساسات و تجربیات مختلف را درک کنند و با دیگران همدلی کنند. این نوع آموزش باعث می‌شود که نسل‌های آینده به جای تنش و درگیری، به دنبال راه‌های مسالمت‌آمیز برای حل مشکلات خود باشند. کتاب «صلح را باید از کودکی آموخت» نوشته توران میرهادی با تاکید بر اهمیت آموزش صلح از دوران کودکی، نشان می‌دهد که هر فرد می‌تواند نقشی کلیدی در ایجاد یک جامعه مسالمت‌آمیز ایفا کند و از طریق خانواده، مدارس و فرهنگ جامعه، می‌توان زمینه‌های لازم را برای رشد افراد با روحیه‌ای سرشار از محبت و همدلی فراهم کرد. امید که با الهام از ضرورت هم‌نشینی صلح و آموزش، بتوانیم نسلی تربیت کنیم که به صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اعتقاد داشته باشند و دنیایی بهتر بسازند.

صلح در سایه عدالت آموزشی

نسرین محمدباقری
آموزگار

مجمع عمومی سازمان ملل با هدف کاهش خشونت، ترویج همبستگی و گسترش فرهنگ گفت‌وگو بین جوامع، ۲۱ سپتامبر را به‌عنوان روز جهانی صلح نام‌گذاری کرده است. در سلسله‌مراتب نیازهای انسانی هرم مازلو، پس از نیازهای زیستی، امنیت از نیازهای حیاتی در رده دوم قرار دارد. درواقع روز جهانی صلح فرصتی است برای توجه به امنیت و آرامش به‌عنوان نیازهای اولیه بشر. «صلح را باید از کودکی آموخت»، کتابی ارزشمند از توران میرهادی است که عنوان آن اشاره دارد به اینکه مفاهیم صلح، دوستی و ارزش‌های انسانی باید از کودکی و حتی پیش از تولد در وجود فرزندان نهادینه شود. توران میرهادی در این کتاب، صلح را به دو صورت صلح درون و صلح برون تعریف می‌کند. درواقع، فرهنگ صلح از آشتی فرد با خودش شروع می‌شود و صلح برون بازتابی از صلح درون است. انسانی که با وجود خودش، طبیعت و موجودات زنده سر ناسازگاری ندارد و در پذیرش کامل به سر می‌برد، به صلح درون رسیده است. پایه‌های صلح درون، ریشه در خانواده و سپس نظام آموزشی دارد. خانواده به‌عنوان نخستین مدرسه صلح، با ایجاد فضایی امن و به دور از خشونت و تنش، آموزش مشارکت، تمرین گفت‌وگو در فضایی شاد، آموزش تعامل و احترام به دیگران، فرزند خود را در مسیر صلح هدایت می‌کند. مدرسه به‌عنوان دومین خانه فرزندان، با آموزش مهارت‌های زندگی می‌تواند بستر مناسبی برای پرورش نسلی صلح‌جو و مسئولیت‌پذیر فراهم کند. خانم میرهادی در نگاه تربیتی خود، نه به تنبیه و نه به تشویق و پرهیز از مقایسه و رقابت و تمرکز بر فعالیت مشارکتی را توصیه می‌کند. آثار مخرب تنبیه بر همگان آشکار است، اما از پیامدهای منفی تشویق کمتر گفته شده است. وقتی در کلاس درس عده‌ای تشویق می‌شوند، آنهایی که تشویق نشده‌اند به نوعی تنبیه می‌شوند. همچنین فردی که تشویق می‌شود، دائما استرس و اضطراب از دست دادن رتبه خود را دارد. توران میرهادی با نخبه‌پروری و مدارس خاص مخالف است. متأسفانه نظام آموزشی ما با سیاست‌های نادرست در جهت خلاف فرهنگ صلح حرکت می‌کند. خصوصی‌سازی آموزش یا آموزش پولی، با اثرات مخرب خود، مسیر دستیابی به صلح را سخت یا دست‌نیافتنی می‌کند. آموزش به‌عنوان ابزاری برای رشد و تعالی انسان‌ها، حق همه کودکان است. اما وجود انواع و اقسام مدارس در ایران، شکاف طبقاتی را عمیق‌تر کرده و این شکاف آثار مخربی در پی دارد. متأسفانه سرنوشت دانش‌آموزان در پایان ۱۲ سال تحصیل، در رقابتی نابرابر به کنکور و قبولی دانشگاه پیوند می‌خورد. بر کسی پوشیده نیست محصلانی که آموزش باکیفیت و بهتری دریافت کرده‌اند، در آزمون نهایی و کنکور نتایج بهتری کسب می‌کنند. سهم مدارس دولتی در رتبه‌های برتر، صفر است؛ یعنی تحقیر مدارس دولتی، یعنی تقویت حسادت و خشم فروخورده. هر سال که می‌گذرد، ما معلم‌ها شاهد بی‌انگیزگی، بی‌علاقگی و بی‌توجهی بیشتر بچه‌ها به درس و آموزش و روآوردن به سمت مشاغل سطحی هستیم. یکی از دلایل این بی‌انگیزگی، مقایسه بچه‌ها با هم‌سالان خود در مدارس خاص می‌تواند باشد. این مقایسه، حس بی‌ثمربودن تلاش و شانس کمتر موفقیت را در آنها تقویت می‌کند و باعث سرخوردگی‌شان می‌شود. زمانی که در حوزه آموزش، با پاک‌ترین و معصوم‌ترین رده سنی جامعه با بی‌عدالتی رفتار می‌شود، جست‌وجوی عدالت در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، جایگاه اجتماعی و... عبث است. در جامعه‌ای با اختلاف طبقاتی دهک یک تا ۱۰، صحبت از کرامت و ارزش‌های انسانی و سلامت روان و گام‌برداشتن در جهت صلح بیشتر به لطیفه شباهت دارد.

دیگری نه دشمن، بلکه هم‌نوع است

محمدرضا نیک‌نژاد
آموزگار

در جهان پرآشوب امروز که خبرهای جنگ و خشونت در گوشه‌وکنار جهان به امری روزمره بدل شده، روز جهانی صلح تنها یادآور یک آرمان اخلاقی نیست، بلکه هشداری جدی است برای بازاندیشی در مسیرهای ساختن آینده‌ای امن‌تر و انسانی‌تر. صلح تنها نبود جنگ نیست؛ صلح پیامد گردآیه‌ای از انتخاب‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی است که ریشه در کودکی دارد؛ یعنی دورانی که دو نهاد بسیار مهم، یعنی خانه و مدرسه، باید تن و جان کودک را بپرورند و او را آماده زیستی انسانی و اخلاقی در جهانی نوبه‌نو شونده و ناپایدار کنند. توران میرهادی، مربی برجسته و چهره ماندگار آموزش و پرورش در ایران، در کتاب خود یعنی «صلح را از کودکی باید آموخت» با نگاهی ژرف و تجربه‌محور نشان می‌دهد که تربیت کودکانی با ذهنی آزاد و قلبی همدل، زیربنای هر تلاش پایدار برای صلح است. او باور داشت مدرسه‌ای که در آن احترام به تفاوت‌ها و پرورش همدلی آموزش داده نشود، جامعه‌ای نخواهد ساخت که به عدالت و گفت‌وگو پایبند باشد. از این منظر، صلح یک پروژه فرهنگی است؛ پروژه‌ای که بدون مشارکت خانواده‌ها، معلمان و نهادهای اجتماعی ممکن نیست. او با طرح دوکلیدواژه «صلح درون و صلح بیرون» و تأثیر آن در دوران کودکی و نیز دوره یادگیری حداکثری، تلاش می‌کند ذی‌نفعان آموزش را وادارد تا این دو مفهوم را جدی بگیرند و در راستای پرورش کودکانی که در آینده پرچم صلح و صلح‌طلبی را در دست می‌گیرند، گام بردارند. او می‌گوید: «صلح درون از هنگام تولد و دوره جنینی شروع می‌شود. درواقع صلح درون، هماهنگی با محیط است. این محیط، محیطی مادی و عاطفی است. اگر به کودک گرسنه، به‌موقع غذا یا شیر برسد یا با نگاه و لبخند محبت‌آمیز در محیطی آرام، او را در آغوش گیرند و تروخشک کنند، در وجود او احساس امنیت و آرامش خاطر پدید می‌آید و کودک سرشار از اعتماد، رشد می‌کند. در چنین محیطی صلح درون پایه‌گذاری می‌شود... . برای آنکه انسان‌ها برای جنگ آماده شوند و برای تهاجم و کشتار، شکنجه و همه اعمال و رفتارهایی که طی جنگ از انسان سر می‌زند، آمادگی به وجود آید، لازم است چند اتفاق رخ دهد: ۱-انسان‌ها باید احساس امنیت‌شان را از دست بدهند. ۲-انسان‌ها باید به هدف قدرت‌خواهی اعتقاد پیدا کنند و به این باور برسند که جان‌شان را در راه درستی کف دست می‌گذارند. ۳- انسان‌ها باید وجودشان پر از اضطراب و هیجان شود. ۴- انسان‌ها باید فکر کنند یک دشمن دارند و باید بر این دشمن چیره شوند و این حق‌شان است». میرهادی روش‌های تضمین‌کننده صلح درون در مدرسه را نیز القای حس امنیت در دانش‌آموز از روش‌های دوری از تشویق و تنبیه، گسترش عدالت اجتماعی و آموزشی، حذف کامل رقابت در مدرسه و گسترش فرهنگ همیاری و مشارکت می‌داند؛ چراکه همه این روش‌ها امنیت درون و بیرون نوآموز را به خطر می‌اندازند. خشونت ساختاری، تبعیض و جنگ، زندگی میلیون‌ها انسان را تهدید می‌کند، کتاب بانو میرهادی تلنگری جدی است. او به ما یادآوری می‌کند که برای ساختن جامعه‌ای امن‌تر، باید به کودکان آموخت که دیگری را نه دشمن، بلکه هم‌نوع خود ببینند؛ باید به آنها تجربه‌ای از عدالت، دوستی و احترام ارائه کرد تا در آینده، صلح برای‌شان مفهومی ملموس باشد، نه رؤیایی دست‌نیافتنی. روز جهانی صلح، فرصتی است برای بازاندیشی در نقش آموزش و فرهنگ در شکل‌دهی به جهان آینده. بدون آموزش صلح، هر پیمان سیاسی موقتی خواهد بود. همان‌گونه که میرهادی نشان داده است، اگر کودکان در محیطی پر از اعتماد و همدلی رشد کنند، جهان آینده از دل همین تجربه‌ها ساخته خواهد شد. به امید گسترش صلح و خشونت‌پرهیزی در سراسر جهان.

زیست‌بوم

احیای پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی بعد از ۶ سال

ایسنا: معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست با اشاره به احیای پروژه ملی حفاظت از یوز آسیایی پس از شش سال گفت: «یکی از اقدامات انجام‌شده تمرکز بر زیستگاه‌های پیرامونی یوزپلنگ بوده است تا این زیستگاه‌ها هم با مشارکت مردم حفظ شوند و هم سازمان بتواند برنامه‌های حفاظتی این مجموعه‌ها را تقویت کند». حمید ظهرابی افزود: «در ماه‌های اخیر علاوه بر خراسان جنوبی، در خراسان شمالی هم بعد از چندین سال یوزپلنگ آسیایی مشاهده شد که نشان‌دهنده وجود جمعیت پویا و فعال است و ارتباط اکوسیستم‌ها با فرایندی که احتمالا فعالیت‌های حفاظتی در آن نقش داشته، تقویت شده است و یوز در حال پیداکردن زیستگاه‌های جدید و انتشار در آنهاست». او ادامه داد: «اگرچه جمعیتی از یوزپلنگ آسیایی که در خراسان جنوبی مشاهده شده، احتمال دارد افرادی غیر از یوزهایی باشد که در توران زندگی می‌کنند، ولی ارتباط بین منطقه میان‌دشت و خارتوران با برنامه حفاظت مشارکتی -که با کمک بخش خصوصی انجام می‌شود و تحت عنوان یوزکنام مجددا برقرار شده- اتفاق خوبی است و ما را به آینده حفظ یوزپلنگ آسیایی امیدوارتر می‌کند. اگر بتوانیم تصاویر دقیق‌تری از دو فرد یوز مشاهده‌شده در خراسان جنوبی به دست بیاوریم و مطمئن شویم افراد جدیدی هستند، در این شرایط شانس بقای یوز به میزان درخور توجهی افزایش پیدا می‌کند؛ چراکه وجود یک جمعیت یوز در خارج از خارتوران و در زیستگاه‌های جنوبی‌تر از این منطقه خیلی امیدبخش است». او با اشاره به فعال‌شدن مجدد پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی بعد از شش سال توقف تأکید کرد: «یکی از اقدامات انجام‌شده تمرکز بر زیستگاه‌های پیرامونی یوزپلنگ آسیایی بوده است تا این زیستگاه‌ها هم با مشارکت مردم حفظ شود و هم سازمان بتواند برنامه‌های حفاظتی این مجموعه‌ها را تقویت کند». ظهرابی ادامه داد: «برنامه ویژه‌ای برای زیستگاه یوزپلنگ آسیایی در خراسان جنوبی اجرا شده و منابع مالی این کار به نحو قابل ملاحظه‌ای در سال گذشته نسبت به سال‌های قبل‌تر افزایش پیدا کرد و تقریبا به بالای پنج میلیارد تومان رسید. علاوه بر آن، یک دستگاه خودرو هم برای این استان تأمین شد که تقریبا ۱۰ میلیارد تومان برای سازمان حفاظت محیط زیست هزینه در بر داشت. با توجه به مشاهده یوز در این منطقه، میزان بودجه آن افزایش خواهد یافت». به گفته ظهرابی، در سال گذشته تقریبا ۵۰ میلیارد تومان برای حفاظت از یوزپلنگ آسیایی هزینه شد و امسال این رقم افزایش خواهد یافت. معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست ادامه داد: «تلاش می‌کنیم ارتباط مدیریتی تمام شش میلیون هکتار زیستگاه یوزپلنگ آسیایی را با پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی برقرار کنیم. درواقع اصلاح ساختار مدیریتی در حفاظت از یوزپلنگ آسیایی و یکپارچه‌سازی آن بخشی از برنامه سازمان حفاظت محیط زیست در این حوزه است». براساس اعلام او، پایش سیستماتیک در زیستگاه‌های یوزپلنگ آسیایی شروع شده است. به‌عنوان نمونه، اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان جنوبی با امکانات و منابعی که در اختیارش قرار گرفته است، این کار را انجام می‌دهد. مشاهده دو فرد یوزپلنگ آسیایی و ثبت و شناسایی دقیق آنها می‌تواند به موضوع حفاظت از یوزپلنگ آسیایی به نحو قابل ملاحظه‌ای کمک کند.